

محمد ارکون تحصیلات ابتدایی خود را در توریت میمون آغاز کرد و دوره راهنمایی و دبیرستان را در اوران گذراند و آموزش عالی را در دانشکده زبانشناسی در دانشگاه الجزیره و سپس در سوربون در پاریس پی گرفت. وی از آن پس در دانشکده زبانشناسی دانشگاه استراسبورگ (۱۹۵۹-۱۹۵۶) و مدرسه ولتر در پاریس (۱۹۶۱-۱۹۵۹) به تدریس پرداخت. در دانشگاه سوربن سمت استادیاری یافت (۱۹۶۹-۱۹۶۱)، در دانشگاه لیون دو به سمت استادیاری دست یافت (۱۹۷۲-۱۹۶۹) و در دانشگاه پاریس هشت، پاریس سه، و دانشگاه جدید سوربن با مرتبه استادی به تدریس پرداخت (۱۹۹۲-۱۹۷۲). وی همچنین استاد مدعو دانشگاههای UCLA در لس آنجلس (۱۹۶۹) دانشگاه لوون لنو در بلژیک (۱۹۷۹-۱۹۷۷)، موسسه اسقفی مطالعات عربی در رم، دانشگاه پرینستون (۱۹۸۵)، دانشگاه تمپل در فیلادلفیا (۱۹۸۸-۹۰) و دانشگاه امستردام (۱۹۹۳-۱۹۹۱) بوده است. وی همچنین عضو ویزنشافت کالج در برلین و موسسه مطالعات عالی پرینستون بوده و در کشورهای مختلف سخنرانی داشته است.

محمد ارکون استاد تاریخ اندیشه اسلامی در سوربون (پاریس ۳) و عضو هیات مدیره موسسه مطالعات اسلامی در لندن است و یکی از داوران جایزه آفاخان در حوزه معماری محسوب می شود. ایشان مدیر علمی مجله عربیکا نیز می باشد.

علاقه اولیه ارکون به تاریخ اندیشه اسلامی باعث به وجود آمدن اثر مهم وی در سال ۱۹۶۹ با عنوان رساله اخلاق *Traite d'ethique* به زبان فرانسه شد که ترجمه کتاب تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق ابن مسکویه رازی بود. از آن زمان تاکنون وی توجه خود را به موضوعات معاصر معطوف داشته و مقالات متعدد و کتابهای چندی در باب موضوعات اسلام معاصر و مدرنیته به رشته تحریر در آورده است. وی به عنوان یک مدرنیست و منتقد جهان معاصر به بازاندیشی در روابط میان اروپا، اسلام و جهان مدیترانه ای پرداخته است. حلقه های فکری سنتی در جهان اسلام چندان به دیدگاههای وی به دلیل سکولار بودن اقبال نشان نداده است ولی در محافل پست مدرنیستی دیدگاههای وی به عنوان دیدگاههای پیشرو در جهان اسلام مورد قبول واقع شده است. وی به عنوان سردبیر عربیکا نقش قابل ملاحظه ای در هدایت مطالعات غربی در باب اسلام داشته است. وی نویسنده کتابهای متعددی به زبانهای عربی، انگلیسی و فرانسه در باب اسلام بوده است که از جمله آنها عبارتند از بازاندیشی اسلام (Rethinking Islam, Boulder, Col, 1994)، مهاجرت (L'immigration: defies et richesses, Paris, 1998)، ... و نااندیشیده در اندیشه اسلام معاصر.

(Unthought in Contemporary Islamic Thought, London, 2002)

مطالعات کوتاهتر وی نیز در بسیاری از مجلات دانشگاهی انتشار یافته اند و آثار وی به زبانهای مختلف ترجمه شده است. وی به خاطر تلاش مادام العمر خود در حوزه مطالعات اسلامی به جایزه هفدهم جورجیو لوی دلا ویدا نائل شده است.

اندیشه ارکون:

ارکون از جمله متفکران برجسته ای است که به بررسی روشهای جدید در مطالعه اسلام پرداخته است. به دلیل علاقه خاص وی به روشهای ارائه شده توسط زبانشناسی ساختاری، نشانه شناسی و منتقدین متون، وی را می توان در ردیف متفکران پست مدرنیست قرار داد. لئونارد باینر یکی از تحلیلگران باریک بین اسلام ارکون را در این چارچوب اسرار آمیز نزدیک به هموطن الجزایری اش ژاک درینا قرار داده است و معتقد است که وی به درینا نزدیکتر از فوکو است.

سوال مهمی که برای ارکون مطرح است این می باشد که آیا اسلام کنونی دربردارنده ابزار فرهنگی، آزادی، و چارچوب اجتماعی لازم هست که آن را بی نیاز از فلسفه مدرن گرداند. منظور از این چارچوبها و ابزار چیزهایی است که بدون آنها فلسفه مدرن به صورت اسری غیر ممکن در می آید. ارکون در پاسخ به این سوال پیوسته بر تاریخی بودن معنا، حقیقت و خرد پای می فشارد.

آثار علمی ارکون همواره نشان دهنده رویکرد انسان گراییه اوست. این مطلب را می توان از مطالعات اولیه وی از جمله در رساله اخلاق وی که به مطالعه درباب اندیشه های ابن مسکویه می پردازد مشاهده کرد. باینر در کتاب لیبرالیسم اسلامی خود ارکون را به عنوان منتقد واژه محوری عالمان اسلامی و عینیت گرایی و تثبیت گرایی علوم غربی و شرق شناسی معرفی می کند. باینر معتقد است رهیافت ارکون به دلیل تمرکز بر اصول روش شناسانه عام به جای نقد رهیافتهای پست مدرن رقیبه بیش از آنکه گزینشی باشد تقاطعی است. بدین معنا آثار ارکون آثاری اکتشافی و مقدماتی برای رهیافت جدیدی در مطالعات اسلامی است. بنابراین می توان گفت که ارکون خود نظریه ای نسبت به گرا در باب حقیقت، خیر و خرد ارائه نمی دهد بلکه صرفا مدعی آن است که تمامی ادعاهای مربوط به برخورداری از حقیقت مطلق را باید در معرض نقد فکری مبتنی بر پیش فرضهای ساختارگرایانه قرار دهیم.

ارکون معتقد است که در مطالعه اسلام و همچنین سایر ادیان باید از رویکردی بین رشته ای تبعیت کرد. ما بدین منظور نیازمند گروهی پویا از متفکران، نویسندگان، هنرمندان، سیاستمداران، و تولید کنندگان اقتصادی هستیم که با توجه به حوزه مطالعه و عمل خود برداشتی از اسلام مدرن ارائه دهند. ارکون اهدافی بسیار بلند پروازانه در سر دارد، زیرا به دنبال آن است که در این پروژه تأثیری همانند تأثیر رساله شافعی و احیاء علوم الدین غزالی را بر جای گذارد. به اعتقاد ارکون اگر ما مطالعات در هر دین را تنها به عالمان آن دین واگذاریم این خطر وجود دارد که دین به صورت ابزار ی برای مشروعیت بخشی به اراده قدرت در آن جامعه دینی درآید. در اینجا است که سیاست و معرفت شناسی با یکدیگر تلاقی پیدا می کنند:

بازسازی اسلام از مسیر شک دکارتی

علی مرشدی زاد

مروری بر آراء و اندیشه های محمد ارکون
متفکر مسلمان الجزایری



در مورد علمای اسلام این امکان وجود دارد که آنها با تحلیل‌های نشانه‌شناسانه و متنی خود، که از کون از آن با عنوان واژه محوری *logocenterisme* یاد می‌کند، می‌توانند حقیقت را در کنترل خود در آورند. از کون رشته سنتی تاریخ را نیز مورد انتقاد قرار می‌دهد. وظیفه مورخ در حوزه دین، فرهنگ و فلسفه از نظر از کون همبستگی بیشتر و بنیادی تر از مطالعه موضوعات سیاسی، اقتصادی و راهبردی دارد. تاریخ‌دان با مطالعات خود می‌تواند نشان دهد که چگونه گروه‌های قومی-فرهنگی در اندازه‌های مختلف و با پویایی‌هایی خاص خود به کاوش در هزینه یکسانی از نهادها پرداختند و از طریق آن به خلق نظام باور و نابوری پرداختند.

آنچه که در علوم انسانی در حال اتفاق افتادن است درست همانند آن چیزی است که الهیات ارتدوکس (سلفی) اسلامی انجام داده است: یعنی اسطوره زدایی از آگاهی دینی از طریق دستکاری ایدئولوژیک باورها و سنت‌های مردمی. تاریخ‌دانان، فلاسفه، مردم‌شناسان، و نشانه‌شناسان از سهم اسطوره، نماد، نشانه و استعاره در معنا دادن به زندگی انسانی و دنیای اطراف آن غفلت ورزیده‌اند. از کون برای این عقل‌واژه "اندیشیده" را به کار می‌برد و منظور وی قلمروهایی است که ارتدوکسی فکری و دینی نگذاشته است پای تفکر انسانی بدانجا برسید.

به اعتقاد از کون درمان و چاره این مشکل اتحاد روبرکرد و سازوی گرایانه تاریخی *ist approach-torical deconstruction* است. وظیفه اصلی اندیشه اسلامی یا اندیشه در هر دین دیگری این است که فارغ از پیش فرض‌های ضروری و ذاتی انگاشته شده متافیزیک کلاسیک، با دیدگاه معرفت‌شناسانه جدیدی به ارزیابی ویژگی‌ها و ظرافت و پیچیدگی نظام آگاهی، اعم از تاریخی و اسطوره‌ای، بپردازند.

از کون بدین منظور پیشنهاد می‌دهد که ما از مرحله بندی متعارف تاریخ اسلام یا از فراتر بگذاریم، زیرا این مرحله بندی تحت تاثیر حوادث سیاسی شکل گرفته است. وی در عوض طرفدار معیار گسسته‌ها در چارچوب‌های مفهومی است، و از نظر وی این معیار مناسب‌تری دارد زیرا به ساختار گفت‌وگو می‌پردازد. معنای این مطلب این است که هر گاه به بازاندیشی در دین می‌پردازیم باید به خاطر داشته باشیم که دیان شیوه‌های اسطوره‌ای، نمادین و آیینی بودن، اندیشیدن و دانستن هستند. بنابراین بدون تمایز دقیق قائل شدن میان بعد اسطوره‌ای پیوند خورده با فرهنگ‌های شفاهی و کارکردهای ایدئولوژیک و رسمی دین نمی‌توان به بازاندیشی در باب سنت دینی پرداخت.

نکته دیگری که از کون به بیان آن می‌پردازد این است که مفاهیم دقیق ارتدوکسی و سنت در اندیشه سنتی اسلامی به صورت دقیق توضیح داده نشده است. ارتدوکسی به دو ارزش اشاره دارد. از نظر مومنان این مفاهیم مترادف اصالت است حال آنکه تاریخ‌دانان آن را به معنای استفاده ایدئولوژیک از دین می‌دانند. از کون وظیفه پروژه خود را این می‌داند که ارتدوکسی را به عنوان یک تلاش مبارزه جویانه و ایدئولوژیک از ابزار مشروعیت بخشی دولت و از شیوه کشف امر مطلق متمایز سازد. همین مطلب در مورد نگرش اسلام سنتی در قبال سنت نیز صفت می‌کند. این سخن ممکن است دور به نظر آید اما مقصود از کون این است که شیعیان، اهل سنت و خوارج جملگی سنت خود را به مجموعه متونی اصیل فرو کاسته‌اند. وی در مقابل، پیشنهاد «بداع سنت فاکتوری را

می‌دهد که به تمامی مجموعه‌ها تسری یابد و مورد استفاده تمامی جوامع اسلامی قرار گیرد. جالب است که از کون معتقد است 'تقلاب اسلامی ایران کوشیده است چنین وظیفه‌ای را انجام دهد.

از کون در مقاله 'بازاندیشی اسلام امروز' این سوالات مهم را مطرح می‌سازد: (۱) در پرتو درک زبان، جامعه و تاریخ معاصر مسلمان بودن چه معنایی دارد؟ (۲) چگونه می‌توان با توجه به آنچه قرن از ما می‌خواهد به این سوال پاسخ داد؟ مقصود از کون از بازاندیشیده در اینجا آن چیزهایی است که اسلام سلفی در مورد آنها سازش ناپذیر است. از کون سپس به معرفی شش جریان اکتشافی تفکر که پیش روی آگاهی اسلامی قرار دارد می‌پردازد که عبارتند از:

- (۱) نشانه‌شناسی زبان که نسبت به تجربه وحس دارای سبقت زمانی است؛
- (۲) تاریخی بودن، و این در حالی است که ما به مطلق خارج از جهان پدیداری وجود دنیوی و تاریخی خود دسترسی نداریم؛
- (۳) از کون به دنبال آن است که ریشه سنت را با نگاهی مردم‌شناسانه مورد بررسی قرار دهد، بدین معنا که



به بررسی ادب و رسوم، قوانین، آیینها، و نهادها که بخشی از هویت هر گروه قومی-زبانی هستند بپردازد. وی همچنین مفهوم تصور *imaginaire* را از مردم‌شناسی به عاریت می‌گیرد و مدتی است از آنجایی که فرهنگ عقلگرا *rationalist culture* جایگاه چندان در جوامع مسلمان مروری ندارد این مفهوم مناسب‌تری می‌یابد. وی با دقت نظر به ما هشدار می‌دهد که این مطلب به معنای فقدان خرد *reason* در این جومع نیست بلکه مخالف آن صادق است. مفهوم تصور این امکان را به ما می‌دهد که تعارضات موجود میان لوگوس (خرد کیهانی *logos*) و اسطوره (بینش قومی *mythos*)، مفهوم و اسطوره، و مجاز و وقیعت را مرتفع سازیم و این موضوع مناسب‌تری بسیاری با دو مفهوم باطن و ظاهر در اسلام دارد. تمامی این موارد خریدنبر هستند ولی الزاما عقلگرایانه محسوب نمی‌شوند.

- (۴) ایمان در درون یک گفت‌وگو شکل می‌گیرد و ابراز می‌شود؛
- (۵) نظام سنتی شریعت (اصول دین و اصول فقه) دیگر مناسبی 'معرفت‌شناسانه' با جهان امروزین ندارند؛
- (۶) جستجو در باب معنای مطلق بستگی به این سوال ردیکال در باره مناسبیت و وجود معنای مطلق دارد. به بیان دیگر اگر ما معنا را بی معنا قلمداد کنیم، اسلام بی معنی خواهد شد. اما از کون در باب این سوال که چرا مردم معنا را بی معنا می‌دانند اشاره دارد که این امر به دلیل به کار بردن ابزار نا مناسب برای شناخت است و راه حل را در استفاده از ابزار بهبود یافته فکری برای درک بهتر رابطه

میان معنا و واقیعت می‌دند.

از کون به هیچ عنوان متفکری نسبت گرا محسوب نمی‌شود که منکر وجود معنایی مطلق باشد. وی صریحا و قاطعانه ابراز می‌دارد که ما به هیچ عنوان حق نداریم منکر امکان وجود این معنا شویم. سوای که مطرح است این است که چگونه می‌توان تمامی اندیشه‌ها را بر مبنای پیش فرض وجود این معنا بنیان نهاد. در اینجا است که ما با مسئولیت واقعی خرد انتقادی روبرو می‌شویم. ما در آثار از کون با دو نمونه و توضیح در این خصوص روبرو می‌شویم و این دو مثال با دو حادثه در تاریخ فکری اسلام همخوانی دارند: واقیعت وحی و شکست نهضت فلسفی. از کون در مطالعات خود در باب قرآن اصرار دارد که مطلقا باید میان ام الکتاب یعنی کلام قدیم و جامع خیاوند، و حادثه تاریخی وحی به پیامبر اسلام (ص) - که با نمادگرایی زبانی، نحوی و نشانه‌شناسانه خاصی به حضرت محمد رسانده می‌شد، تمایز قائل شد. این وحی‌های تاریخی اسامی مختلف یافته‌اند چنانکه به آنها کتاب، الذکر، القران و الفرقان می‌گویند. از کون نیز خود از 'اصطلاح قرآن و قصص القران' استفاده می‌کند و برای قرآن مکتوب از اصطلاح مصحف استفاده می‌کند. به نظر وی تنها با استمداد از رشته‌های مختلف دانشگاهی است که می‌توان رابطه میان ام الکتاب و مصحف را مشخص ساخت.

از کون در آثار خود به مقایسه اندیشه‌های غزالی و ابن رشد می‌پردازد و در این میان زول نهضت فلسفی را به نمایش می‌گذارد. اهمیت این بحث نه به خاطر مقایسه میان این دو متفکر و نشان دادن اینکه کدامیک از روشی درست و مناسب استفاده کرده‌اند، بلکه به خاطر برشمردن و شناسایی محدودیت‌های شناختی و موانع معرفت‌شناسانه‌ای است که در راه اندیشه اسلامی وجود داشته است. این مطلب به ما امکان می‌دهد که پیامدهای گسست موجود

میان اندیشه کلاسیک و مدرن اسلامی را بشناسیم. از کون دموکراسی را چالشی در مقابل اندیشه سنتی اسلامی می‌دند. وی خود را متعلق به دو جهان مدبرانه‌ای (تمثلی شامل دنیای عرب، ایران و ... که متأثر از روم، یونان، ایران و اسلام بوده است) و جهان اروپایی می‌دند و معتقد است که ادعاهای و چالش‌هایی که اسلام در مقابل یهودیت و مسیحیت مطرح کرد ادعاهایی ایدئولوژیک بود که پاسخی 'ایدئولوژیک' نیز دریافت کرد. مقصود وی از ایدئولوژیک در اینجا فکری است که وی آن را از برخورد علمی متمایز می‌سازد و مشتمل بر جدلیاتی است که در دوره میانه بین یهودیان، مسیحیان و مسلمانان مطرح شد و ما اکنون می‌توانیم به خوانش و تفسیر آنها بپردازیم. این چالش طی این دوره داد و ستد جدلی وجود داشته است. نظام‌های کلامی مسلمانان برای رد این ادعاهای یهودیان و مسلمانان شکل گرفت و یهودیان و مسیحیان نیز نظام کلامی خاص خود را به وجود آوردند. از کون معتقد است مسائل جهان امروز مدبرانه‌ای ای مانند مساله فلسطین و مبارزات الجزایر جملگی استمرار آن چیزی هستند که در تاریخ گذشته جریان داشته است و ما باید با این نگاه به یازبینی و بازنویسی تاریخ کلامی‌های مختلف بپردازیم.

به اعتقاد از کون نظام‌های کلامی مورد استفاده این سه اجتماع دینی (مسلمان مسیحی و یهودی) هنوز هم نظام‌هایی فکری فرهنگی هستند که برای حمایت از باورهای موجود در این اجتماعات تعبیه شده‌اند. هر کدام از این نظام‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که اصحاب اجتماعات دیگر را از حقیقتی که گمان می‌رود در آن

اجتماع نهفته شده است مستثنی سازند، زیرا تعریف حقیقت در این اجتماعات الزاماً و در ذات خود یهودی، مسیحی یا اسلامی است. قرن‌هاست که ما در درون این نظام کلامی و نیز نظام فلسفی شکل گرفته در اروپا تربیت شده ایم. اروپاییان در آموزش تاریخ فلسفه از یونان باستان آغاز می‌کنند و با پرسشی از روی دوره میانه به اندیشمندانی مانند دکارت، اسپینوزا و لایبنیتس می‌رسند چنانکه گویی از قرن هفتم تا قرن سیزدهم هیچ آلفاقی در فلسفه نیفتاده است. گهگاه از این رشد و بُن سینا سخن به میان می‌آید ولی این موارد در حاشیه قرار دارند. ارکون معتقد است که باید به بازاندیشی در تاریخ کلام و فلسفه پرداخته، موارد مغفول مانده را از نو کشف کنیم. نقطه آغازی که ارکون برای این بازاندیشی پیشنهاد می‌کند وارد شدن در فرایند ناموختگی یا به بیانی دیگر در فرایند آموخته زدایی (the process of un-learn) است. بدین معنا که آموخته‌های خود را در باب الهیات، کلام، فلسفه، قوانین دینی، هویت خود و دیگران و سایر آموخته‌هایی که متضمن حذف و انکار طرف مقابل بوده است مورد تردید قرار داده ذهن خود را از آنها پاک کنیم.

پس از پاکسازی ذهن از این آموخته‌هاست که می‌توانیم به بررسی ریشه اسلام و دموکراسی بپردازیم. ارکون به ما هشدار می‌دهد در این بازخوانی باید از گزینش اجتناب ورزیم. نباید تنها به آیاتی استناد ورزیم که موید دموکراسی یا منکر دموکراسی هستند. چرا که در این صورت ما هم به همان ورطه ایندولوژیک پیشینیان فرو می‌افتیم و از تلاش علمی فاصله می‌گیریم.

برای دستیابی به دموکراسی، که ارکون به صورت پیش فرض آن را مطلوب قلمداد می‌کند، از نظر وی باید فرهنگ مناسب آن را فراهم آورد و این وظیفه بر دوش روشنفکران و مؤسسات علمی-تحقیقاتی قرار دارد. مطالعه اسلام نیز باید با توجه به موقعیت و منزلت شناختی قرآن (Quran cognitive status) صورت پذیرد. این موقعیت شناختی با نگاهی همه جانبه به قرآن حاصل می‌آید. در این نگاه لازم است علوم مختلف را شریک سازیم و از اینجاست که وی از یک رویکرد شناختی فراگیر با عنوان مردم‌شناسی دینی سخن می‌گوید.^۱

ارکون سخن گفتن از تقابل یا سازش اسلام و دموکراسی را بی معنا می‌داند چون به اعتقاد وی این دو گانه دین و برابر نهادن اسلام و دموکراسی موضعی ایندولوژیک محسوب می‌شود و ما با ورود به فرایند ناموختگی دیگر این دوگانگی و تقابل را از میان بر می‌داریم و بدین ترتیب این سوال بی معنا می‌شود.

از نظر وی دین و دموکراسی به عنوان بدیلی برای دین هیچکدام پاسخی قطعی محسوب نمی‌شوند. ما می‌توانیم به پرسشگری در باب آنها بپردازیم و بدین ترتیب نوعی بحث شکل می‌گیرد. هنگامی که ما در مورد برخی سوالات مناسب با هم توافق کردیم می‌توانیم این فرایند را آغاز کنیم. این یک تمرینی جمعی است که نمی‌توانیم هیچکدام از اعضای جامعه را از آن مستثنی سازیم.

ارکون دموکراسی را فرایند و تمرینی در حال شدن و پروژه‌ای مربوط به آینده می‌داند و به ما یادآوری می‌کند که هنوز هم جوامعی هستند که از آن بی‌نصیبند. او به ما خاطر نشان می‌سازد که در اروپا نیز تنها از قرن هیجدهم اعلامیه حقوق بشر به وجود آمد و زنان فرانسوی تا سال ۱۹۴۵ از حق رای محروم بودند. این نکته ساده از نظر وی نشان دهنده کمال ناپافتگی دموکراسی است. از این سخن وی می‌توان چنین برداشت کرد که دموکراسی در سطح نظری نیز نیازمند پیشرفت و کمال بیشتری است.^۲

در مجموع می‌توان گفت که نگاه ارکون نگاهی انتقادی به دین و به طور کلی شناخت کلاسیک و سنتی است. در این نگاه همه چیز به محک آزمون می‌نشیند و آن چیزی که ارکون انتظار دارد از رویکرد علمی-انتقادی اش حاصل آید نوعی پالایش کامل است، پالایشی که تمامی داشته‌ها را از انسان خواستار رهایی از سنت می‌گیرد و به شیوه‌ای همانند شک دکارتی آموخته‌های جدیدی را جایگزین آن می‌سازد. این سوال همچنان باقی است که اگر ما بدون پیش فرض و با اجتناب از گزینش‌گری که ارکون آن را تقبیح می‌کند به سراغ متن قرآنی برویم، آیا واقعا به پذیرش دموکراسی نائل می‌شویم؟ و آیا ارکون خود گرفتار این گزینش و پیش‌دوری نیست؟

آثار ارکون

الف) عربی

الفکر تعریبی، بیروت، عویدات ۱۹۷۹
الاسلام: أصالة و ممارسه، بیروت ۱۹۸۶

تاریخیه الفكر العربی الاسلامی، بیروت، مرکز الانماء القومي، ۱۹۸۶.
الفکر الاسلامی: قرائه علمیه، بیروت، مرکز الانماء القومي، ۱۹۸۷.
الاسلام: الاخلاق و السیاسه، بیروت، مرکز الانماء القومي، ۱۹۸۸.
الاسلام: نقد و اجتهاد، بیروت، دارالساقی، ۱۹۹۰.
العلمنة والدين، بیروت، دارالساقی، ۱۹۹۰.
من الاجتهاد الی النقد العقل الاسلامی، بیروت، دارالساقی، ۱۹۹۱.
من فیصل تنفرقه الی فصل المقال: این هو الفكر الاسلامی المعاصر، بیروت، دارالساقی، ۱۹۹۳.
الاسلام، عربیه و الغرب: رهانات المعنی و ارادات الهمینه، بیروت، دارالساقی، ۱۹۹۵.
نزعات الانسنه فی الفكر العربی، بیروت، دارالساقی، ۱۹۹۵.
قضایا فی نقد الفكر الیدینی، بیروت، دارالطلیعه، ۱۹۹۸.
تفکر الاصولی و استحاله التاصلیل، بیروت، دارالساقی، ۱۹۹۹.
مبارک من اجل الانسنه فی السیاقات الاسلامیه، بیروت، دارالساقی، ۲۰۰۱.
من التفسیر الموزوت الی تحلیل الکتاب الیدینی، بیروت، دارالطلیعه، ۲۰۰۱.

ب - انگلیسی

- Arab Thought, éd. S.Chand, New-Delhi 1988;
- Rethinking Islam : Common questions, Uncommon answers, today, Westview Press, Boulder 1994.
- The concept of Revelation: from Ahl al-Kitáb to the Societies of the Book-book, Claremont Graduate School, Ca., 1988;
- The Unthought in Contemporary Islamic Thought, London 2002.
ج - فرانسه :
- Deux Epítres de Miskawayh, édition critique, B.E.O, Damas, 1961 ;
- Aspects de la pensée islamique classique, IPN, Paris 1963;
- L'humanisme arabe au 4e/10e siècle, J.Vrin, 2^eéd. 1982;
- Traité d'Éthique, Trad., introd., notes du Tahdhib al-akhlâq de Miskawayh, 1e éd. 1969; 2e éd. 1988;
- Essais sur la pensée islamique, 1e éd. Maisonneuve & Larose, Paris 1973; 2e éd. 1984;
- La Pensée arabe, 1e éd. P.U.F., Paris 1975; 6e éd. 2002; Trad. en arabe, anglais, espagnol, suédois, italien ;
- L'islam, hier, demain, 2e éd. Buchet-Chastel, Paris 1982; trad. arabe, Beyrouth 1983;
- L'islam, religion et société, éd. Cerf, Paris 1982; version italienne, RAI 1980;
- Religion et laïcité: Une approche laïque de l'islam, L'Arbrelle, Centre Thomas More, 1989;
- Lectures du Coran, 1e éd. Paris 1982; 2e Aleef, Tunis 1991;
- Ouvertures sur l'islam, 1e éd. J. Grancher 1989;
- L'islam. Approche critique, Le livre du mois, Club du livre 2002
- Pour une critique de la Raison islamique, Paris 1984;
- L'islam, morale et politique, UNESCO-Desclée 1986;
- Combats pour l'Humanisme en contextes islamiques, Paris 2002
- The Unthought in Contemporary Islamic Thought, London 2002.
- De Manhattan à Bagdad: Au-delà du Bien et du Mal, Paris 2003

د) آلمانی :

- Islam in Discussie, 24 vragen over de islam, éd. Uitgeverij Contact, Amsterdam 1993;
- Islam & De Democratie; Een ontmoeting, en collaboration avec Frits Bolkestein, Uitgeverij Contact, Amsterdam 1994. - Plusieurs articles et interviews dans Revues et journaux néerlandais

ه) اندونزیایی :

- Nalar islami dan nalar modern: Berbagai Tantangan dan jalan Baru, trans. Johan H. Meuleman, INIS, Jakarta 1994.
- Berbagai Pembacaan Quran, trans. Johan H. Meuleman, INIS, Jakarta 1997, 256 p.

۱ برای آشنایی با دیدگاه‌های ارکون در باب تاریخی بودن ادیان و لزوم مطالعه بین‌رشته‌ای در این باره رجوع شود به: محمد ارکون، تاریخیه الفكر العربی الاسلامی، ترجمه هاشم صالح (بیروت: مرکز الانماء القومي، ۱۹۹۸)
۲ همان، صص ۴۷-۱۷.

3 Arkoun, Mohamed, "Rethinking Islam Today (7891). In: Charles Kurzman (ed.), Liberal Islam 2A Sourcebook. New York: Oxford University Press, 8991, pp. 502-12
4 Ibid, p. 42 - 5 Ibid, p. 52 - 6 Ibid -7 Ibid

۸ برای آشنایی بیشتر با این دیدگاه رجوع شود به: محمد ارکون، الفكر الاسلامی: قرانه علمیه، ترجمه هاشم صالح (بیروت: مرکز الانماء القومي، ۱۹۹۶)

۹ برای آشنایی با مفهوم مردم‌شناسی دینی از نظر ارکون رجوع شود به: ارکون، تاریخیه الفكر العربی الاسلامی، صص ۶۳-۵۱.

۱۰ برگرفته از متن یک سخنرانی از ارکون با عنوان Democracy: A Challenge to Islamic Thought